

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## علائم و آثار ظهور<sup>۱</sup>

✿ در هنگام ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه شب از بین می‌رود. روز و شب هر دو روشن می‌شود. الان در همه‌ی دنیا شب‌ها دارد کوتاه و روزها دارد بلند می‌شود. اگر قلب‌هایتان تصدیق کند، خدا به شما نشان می‌دهد. جایی که شب نباشد غم و غصه و اندوه نیست. روز قیامت دائماً ظهر است. در قیامت فقر و غنا، مرض و صحت، خواب و بیداری، موت و حیات و ... از بین می‌رود. غنایی می‌آید که مقابلش فقر ندارد. صحتی می‌آید که مرض در مقابلش ندارد. حیاتی می‌آید که مقابلش موت ندارد. ان‌شاءالله وقتی به قیامت برسیم، جهنم هم خاموش شده و زشتی نمانده است.

در هنگام ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه شب از بین می‌رود. روز و شب هر دو روشن می‌شود. ظهور حجت خدا قیامت صغری است. قیامت صغری هم دو شق دارد: یکی قیامت صغرای انفسیه و دیگری قیامت صغرای آفاقیه. قیامت صغرای آفاقیه ظهور عمومی حجت خدا در عالم است که حضرت حکومت جهانی معنویت، عدالت، دوستی، صلح و صفا را تشکیل می‌دهند و عالم را اداره می‌کنند. و اما قیامت صغرای انفسیه وقتی است که سالک در سیر باطنی خود، حجت خدا را ملاقات می‌کند. وقتی سالک حجت خدا را در باطن خود دید و قیامت صغرای انفسیه‌ی او برپا شد، دیگر شب رفت؛ یعنی ظلم، بی‌عدالتی و جهل رفت. در روایات ظهور حضرت ولی‌عصر دیده‌اید. وقتی حضرت

<sup>۱</sup>. طیب، مصباح‌الهدی، ص ۱۲۷، ف آخر.

ظهور می‌کنند، همه‌ی اینها می‌روند. ریشه‌ی ظلم را می‌کنند؛ «بِنَالِ الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»<sup>۲</sup>. دیگر ظلمی نیست. ظلم شب و عدالت روز است. ریشه‌ی جهل را می‌کنند. روایت داریم که حضرت دست خود را بر سر بندگان قرار می‌دهد و عقل‌ها و علم‌های آنها را به کمال می‌رساند<sup>۳</sup>. دیگر جهل نمی‌ماند؛ یعنی شب می‌رود. آنچه در قیامت صغرای انفسیه اتفاق می‌افتد، عین چیزی است که در قیامت صغرای آفاقیه روی می‌دهد؛ یعنی آنچه در ظهور عمومی حجت خدا اتفاق می‌افتد، در سیر باطنی سالک هم پیش می‌آید. حال، کسی که به اینجا رسید، روز و شب طبیعت هر دو برایش روز است؛ دیگر تاریکی ندارد. شبش روشن‌تر از روز است. شب مؤمن روشن‌تر و قشنگ‌تر از روزش نیست؛ اول کار، روز قشنگ است؛ انسان گل و گیاه و در و دیوار را می‌بیند؛ ولی وقتی حجت خدا را ملاقات کرد، شبش قشنگ‌تر از روزش می‌شود. خلوت‌های عبادت، راز و نیاز با خدا و عشق‌بازی‌ها با محبوب ازلی خیلی قشنگ‌تر از روز است. شب و روزش هر دو روز است. شبش اگر بالاتر از روز نباشد، کمتر نیست.

شب مردان خدا روز جهان‌افروز است      عارفان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

چنین شخصی دیگر شب ندارد. شب و روزش هر دو روز شده است. به تعبیری، دیگر غم ندارد. روز وقتی است که انسان خوشحال است و شب وقتی است که انسان غمگین است. این شخص دیگر غم در دلش راه ندارد؛ به شادی‌یی راه پیدا کرده که مقابلش غم نیست. مقابل شادی‌های دنیا غم است؛ لحظه‌ای خوشحال و لحظه‌ای گرفته و غمگینی؛ اما او سر از شادی‌یی درآورد که در برابرش غم نیست. الان در همه‌ی دنیا شب‌ها دارد کوتاه و روزها دارد بلند می‌شود؛ یعنی اهل طبیعت کم‌کم دارند از غفلت بیرون می‌آیند. برای چند قرن، بشر گمان کرد که با قهر کردن با خدا و آسمان و بریدن از معنویات و در پیش گرفتن زندگی مادی، حیوانی، طبیعی و نفسانی، به سعادت می‌رسد. انسان غربی

<sup>۲</sup>. مجلسی، بحار، ج ۲۶، ص ۲۶۳ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، خاتمه ج ۳، ص ۲۷۸.

<sup>۳</sup>. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَا غُفُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵.

به دین، به خدا و معنویت پشت کرد و مادی‌گری و یک زندگی سکولار و تهی از معنویات را در پیش گرفت؛ خدا را از محوریت زندگی خود کنار گذاشت و نفس اماره را محور زندگی قرار داد. اومانیزم<sup>۴</sup> یعنی دوران محوریت نفس اماره‌ی بشر. رفتند و سرشان به سنگ خورد و امروز فوج فوج به سمت معنویت برمی‌گردند. همه‌ی شکم‌چرانی‌ها، شهوت‌رانی‌ها و ثروت اندوزی‌ها را کردند و به جایی نرسیدند. چیزی که گم‌شده‌ی روحشان بود و روح به‌خاطر نداشتن آن در تلاطم و بی‌قراری بود، با این کارها به‌دست نیامد. الان فوج عظیمی از بشر در حال بازگشت به سمت معنویت و دین است. در کشورهای غربی که با دین خداحافظی مطلق کرده بودند، ببینید که چقدر گرایش‌های مذهبی زیاد شده، چه گرایش به کلیسا و مراکز عبادی و چه گرایش به گروه‌های عرفانی و صوفیه و ... ؛ خارق‌العاده است. کتاب‌هایی که امروزه در بالاترین تیراژها در کشورهای غربی به فروش می‌رود، عمدتاً کتاب‌هایی است که تم معنوی و عرفانی دارد؛ تیراژ افسانه‌ای دارند. برای ما باورکردنی نیست. جلسات و محافل معنوی و دینی هم رونق پیدا کرده است. هرکس از مشرق‌زمین راه بیفتد و آنجا هوپی بکشد، چقدر آدمی دورش جمع می‌شوند. بشر در حال بازگشت به سمت خداست. شب‌ها دارد کوتاه و روزها دارد بلند می‌شود؛ یعنی غفلت از خدا دارد کم می‌شود. این خبری خوش است؛ مقدمه‌ی ظهور حجت خداست. سرخوردگی بشر از ظلم، زور، مادی‌گری، حیوانیت و نفسانیت و تشنگی او نسبت به معنویت، حقیقت، عدالت و فضیلت و بازگشت او به سمت معنویت، مقدمات ظهور حجت خداست. در ادامه، توضیح داده‌اند: **جایی که شب نباشد، غم، غصّه و اندوه نیست.** شب، غم، غصّه و اندوه انسان است. آنجا روح انسان تاریک می‌شود. جایی که روح انسان تاریک می‌شود، شب است؛ ولو ساعت دوازده ظهر باشد. وقتی غم و غصّه انسان را می‌گیرد، در درونش شب است؛ وقتی شادی، بهجت و سرور می‌آید ولو ساعت یک بعد از نیمه شب باشد، در درونش روز است؛ باطنش روشن است.

---

Humanism. <sup>۴</sup>

روز قیامت دائماً ظهر است. ما شب قیامت نداریم. دنیا شب و روز دارد؛ اما آخرت، یوم‌القیامه است؛ شب ندارد؛ همیشه ظهر است. همیشه خورشید توحید طالع است. در نتیجه، آنجا غم، غصه، اندوه و نگرانی نیست.

در قیامت فقر و غنا، مرض و صحت، خواب و بیداری، موت و حیات و ... از بین می‌رود. اینها متعلق به برزخ است. در قیامت، برزخ طی شده است. این از بعد معنوی‌اش. اگر بعد ظاهری آن را هم در نظر بگیریم، همین‌گونه است. در دنیا انسان یک روز پولدار و یک روز فقیر است؛ یک روز مریض و یک روز در سلامت است؛ یک روز در رأس قدرت و یک روز در موقعیت ضعف قرار می‌گیرد؛ چند ساعت بیدار است و چند ساعت خوابش می‌برد. اینها روبه‌روی همدیگرند؛ زوجند: فقر در برابرش غنا، صحت در برابرش مرض، قدرت در برابرش ضعف، شهرت در برابرش گمنامی و شادی در برابرش غم است. در دنیا اینها روبه‌روی هم هستند؛ اما انسان به قیامت که برسد، بساط هر دو جمع می‌شود؛ یعنی انسان سر از حیاتی در می‌آورد که در مقابلش موت نیست. در قیامت انسان دیگر نمی‌میرد. به غنایی می‌رسد که در مقابلش فقر نیست. وقتی به خزینه و گنجینه‌ی خدا وصل شدی، دیگر فقر معنی ندارد. وقتی به حیات خدا وصل شدی، دیگر موت معنی ندارد. لذا در روایات داریم که روز قیامت، نامه‌ای از سوی خدای متعال برای بنده می‌آید: «مِنَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ إِلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوت»<sup>۵</sup>: از جانب خدای حیّی که نمی‌میرد، به سوی بنده‌ی مؤمنی که حیّی است که نمی‌میرد. او هم می‌شود «الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوت». آن حیات دیگر روبه‌رویش موت نیست. کسی که سر از غنا و گنجینه‌ی الهی در بیاورد و گنجینه‌ی خدا در اختیارش قرار بگیرد، کجا دیگر فقیر می‌شود؟ کسی که از قدرت خدا سر در بیاورد، کجا دیگر ضعیف می‌شود؟ آن قدرتی است که مقابلش ضعف نیست؛ حیاتی است که مقابلش موت نیست؛ شادی‌یی است که مقابلش غم نیست. در قیامت، در بهشت کسی غم ندارد. حزن و اندوه آنجا اصلاً راه ندارد. اگر کسی به خدا رسید، این چیزها دیگر به او راه ندارد.

<sup>۵</sup> قرطبی، الجامع‌لاحکام‌القران، ج ۲۰، ص ۱۴۵. (ذیل تفسیر آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره ی انسان)

در آخر هم ایشان آرزویی کرد؛ فرمود: ان شاء الله وقتی به قیامت برسیم، جهنم هم خاموش شده و زشتی نمانده است؛ چون جهنم میوه‌ی جهل است. وقتی انسان در سیر باطنی خود به قیامت باطنی برسد، جهل و غفلت می‌رود و جهنمش خاموش می‌شود. برای کسی که سر از قیامت باطنی خود در می‌آورد، تمام چیزهایی که آتش جهنم بود، خاموش می‌شود؛ همان چیزهایی که اشاره کردیم که انسان را داغ می‌کند، همه خاموش می‌شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اهل ولاة

www.ahlevela.com

اهل ولاة

www.ahlevela.com

اهل ولاة